



■ سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، نگاهی دیگر به پیشینه مبارزات دانشجویی در ایران ۱۳۳۳-۱۳۲۰ ن تالیف: ابوالحسن ضیاء ظریفی
 ■ ناشر: شیرازه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸

در ادامه نوشتار فوق می‌بایست از دست‌اندرکاران مجموعه «تاریخ معاصر ایران» و دبیر این مجموعه - آقای کاوه بیات - به خاطر چاپ کتاب دیگری پیرامون فعالیت‌های دانشجویی در دهه ۱۳۲۰ در قالب «سازمان دانشجویان دانشگاه تهران» که به نوع مطالب کتاب «کنفدراسیون» را تکمیل می‌کند تشکر مضاعفی نمود. این کتاب با عنوان کامل سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، نگاهی دیگر به پیشینه مبارزات دانشجویی در ایران ۱۳۳۳-۱۳۲۰ شمس به قلم آقای ابوالحسن ضیاء ظریفی، اندکی پس از چاپ کتاب کنفدراسیون... در مجموعه کتابهای «تاریخ معاصر ایران» از سوی انتشارات شیرازه منتشر گردید. این تقارن زمانی و پیوند موضوعی، بهانه‌ای مناسب و فرصتی مغتنم را برای نگاهی اجمالی به کتاب اخیرالذکر نیز فراهم آورد:

پس از - اعتراضات جسته گریخته دانشجویان از سال ۱۳۲۰ به بعد، و به دنبال تشکیل اتحادیه‌های پراکنده در دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۴ به بعد و بالاخره در پی تأسیس سازمان دانشجویان کوی دانشگاه در سال ۱۳۲۸، «سازمان دانشجویان دانشگاه تهران» در سال ۱۳۲۹، علناً فعالیت رسمی خود را آغاز کرد و نویسنده که خود از بنیانگذاران و دبیر کل سازمان بوده در این کتاب تاریخچه‌ای از تکاپوهای دانشجویی در دهه بیست را که به ویژه در قالب سازمان دانشجویان دانشگاه تهران تبلور یافت، ارائه نموده است. کتاب در سه بخش اصلی

سازمان‌های حقوق بشر مواجه است، رسانه‌های جمعی ایالات متحده و اروپا و حتی محافل و شخصیت‌های دولتی بعضی از کشورها او را آماج انتقادات خود قرار داده‌اند، اعتراضات دانشگاهیان در ایران و نیز تجدید فعالیت و تحرک گروه‌های اسلامگرا و از جمله طلاب قم در طول سال‌های ۴-۱۳۵۳ همچنان ادامه داشت. در سال ۱۹۷۶ / ۱۳۵۵ اپوزیسیون دانشجویی خارج از کشور با اشغال کنسولگری ایران در ژنو به اسناد و مدارکی دست یافت که حاکی از عملیات وسیع ساواک علیه دانشجویان و نیز اتباع خارجی بود، افشای این مدارک سبب انعکاس بیشتر آراء و خواسته‌های دانشجویان شد. بدین ترتیب تا سال ۱۹۷۷ / ۱۳۵۶ جنبش دانشجویی در ایران و خارج همچنان به عنوان نیروی اصلی در بین گروه‌های مخالف دولت ایران باقی ماند. در پاییز ۱۳۵۶ دانشجویان در ایران شرکت‌کنندگان اصلی در شب‌های شعر بودند، که به اولین درگیری‌های خیابانی پیش از انقلاب منجر شد. در همان حال اپوزیسیون دانشجویی خارج از کشور با سازماندهی و گسترش اعتراضات قهرآمیز خود توجه جهانیان را جلب کرد. از آن جمله است تظاهراتی که علیه دیدار شاه از واشنگتن در پاییز سال ۱۹۷۷ / ۱۳۵۶ به عمل آورد و طی آن هزاران تظاهرکننده با پلیس و طرفداران شاه درگیر شدند. با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ اکثر رهبران دانشجویان و فعالین سیاسی به ایران بازگشتند تا مستقیماً به سازمان‌های مختلفی که درون کشور تشکیل شده بود ملحق شوند. اکنون عصر سیاسی جدیدی آغاز شده بود، متفاوت با دورانی که کنفدراسیون در آن نقشی اساسی ایفا کرده بود. روایت نویسنده در اینجا پس از ارزیابی مختصری از دستاوردها، سهم و نقش کنفدراسیون در تاریخ معاصر ایران به پایان می‌رسد.

دو پیوست، در پایان کتاب ضمیمه شده است. پیوست نخست «اساسنامه کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی مصوب کنگره پاریس، ۱۹۶۲» است و در پیوست دوم «منشور کنفدراسیون جهانی، مصوب کنگره شانزدهم فرانکفورت، ژانویه ۱۹۷۵» به چاپ رسیده است. آخرین بخش کتاب به فهرست منابع کتاب اختصاص دارد که در دو بخش ارائه شده است. بخش اول متضمن «منابع اولیه» شامل مصاحبه‌ها، نشریات ادواری کنفدراسیون، سایر نشریات وابسته به کنفدراسیون، نشریات دانشجویی، نشریات اپوزیسیون، نشریات به زبانهای دیگر و اسناد است و بخش دوم حاوی «منابع ثانوی» مشتمل بر کتب و رسائل فارسی و خارجی است. کتاب با فهرست اعلام به پایان می‌رسد. در خاتمه ترجمه بسیار روان و شیوای آقای ارسطو آذری، همچنین تلاش عالمانه آقای کاوه بیات در شناسایی و معرفی منابع و آثار بسیار ارزشمند درباره تاریخ معاصر ایران، به ویژه اثر حاضر که زوایای کمتر شناخته شده انقلاب اسلامی، خصوصاً نقش دانشجویان در آن را به شیوه‌ای مستند و تحقیقی به تصویر می‌کشد شایان بسی تقدیر و سپاسگذاری است.

گرفته است. فصل هشتم به دومین دهه از فعالیت کنفدراسیون می‌پردازد و جایگاه آن را در تحولات جدید ایران و جهان مشخص می‌کند. خلاصه تحولات مورد بحث در این فصل به قرار زیر است: در اسفند ۱۳۴۸ یکی از شدیدترین اعتراضات سراسری که از سال ۱۳۳۳ به بعد بی‌سابقه بود، به رهبری دانشجویان و علیه افزایش قیمت بلیط اتوبوس‌های شرکت واحد تهران را فراگرفت.

در سال ۱۳۵۰، عملیات چریکی شهری به طور منظم در ایران شروع شد و در پی آن دانشگاه‌ها نیز دست به اعتراضات شدیدی زدند. در این دوره، رشد، انشعاب و رادیکالیزه شدن کنفدراسیون نیز ادامه می‌یابد. در همان سال چهار گروه مائوئیستی و دو شاخه اصلی از جبهه ملی در کنفدراسیون وجود داشتند. اما نفوذ مائوئیست‌ها با توجه به ارتباط و نیز حمایت‌های سیاسی جمهوری خلق چین از رژیم ایران در سال‌های دهه ۱۳۵۰ ضعیف شد و در همان حال اپوزیسیون دانشجویی چه در ایران و چه در خارج تحت نفوذ نیروهای مارکسیست غیرمائوئیست و سازمان‌های چریکی مارکسیستی و اسلامی قرار گرفت. در سال ۱۳۵۰ دولت ایران با تشدید مبارزات علیه کنفدراسیون آن را غیرقانونی اعلام کرد. کنفدراسیون، هم بر شدت مبارزاتش علیه رژیم شاه افزود و هم افراد بیشتری را به عضویت خود درآورد.

فصل نهم، زمینه‌ها و چگونگی تحولاتی را که منجر به انشعاب نهایی کنفدراسیون در سال ۱۹۷۵ / ۱۳۵۳ شد مورد بررسی قرار می‌دهد: در سال ۱۹۷۲ کنفدراسیون دچار بحران دیگری شد، زیرا جمهوری فدرال آلمان سعی کرد تا قانون ویژه‌ای را برای منع فعالیت‌های سیاسی خارجی و نیز نیروهای مخالف رادیکال آلمان برقرار نماید. با این وجود کنفدراسیون رهبری ائتلافی از گروه‌های پراکنده چپ آلمان را برعهده گرفت و در حمایت از ایرانیان و سایر فعالین سیاسی خارجی به ویژه فلسطینیان به مقابله با قوانین تبعیض‌آمیز دولت آلمان پرداخت. در طول سال‌های ۷۳-۱۹۷۲ / ۵۱-۱۳۵۰ تظاهرات دانشجویان در ایران ادامه یافت و در همان حال کنفدراسیون فعالیت‌های خود را در آلمان، اتریش، ایتالیا و ایالات متحده تشدید کرد و دامنه آن را به سوئد، هلند، کانادا و هندوستان گشاند. در طول نیمه اول سال‌های دهه ۱۹۷۰ (۵۷-۱۳۴۸) توجه رسانه‌های بین‌المللی به مسائل ایران به طور کلی و به ویژه به مسئله سرکوب مخالفین در داخل ایران رو به افزایش گذاشت. سرانجام کنفدراسیون در اواسط دهه ۱۳۵۰ به چندین سازمان دانشجویی مستقل تقسیم شد اما اپوزیسیون دانشجویی در خارج از کشور همچنان از نظر تاثیرگذاری و نیز افزایش قدرت و تعداد اعضا روندی صعودی داشت چون گروه‌های رقیب دانشجویی به رغم همه اختلافات در جبهه واحد و مشترکی علیه رژیم شاه همکاری می‌کردند.

فصل دهم با تأکید بر نتایجی به شرح زیر این بررسی را به پایان می‌رساند: شاه با اعتراضات مداوم دانشجویان و نیز انتقادات شدید گروه‌های بین‌المللی و

سامان یافته که طی آن تقریباً سه دوره حیات جنبش‌های دانشجویی ایران را به این تفکیک بررسی نموده است دوره اول پیشینه تاریخی مبارزات دانشجویی از آغازین مراحل تشکیل هسته‌ها و نهادهای دانشگاهی که سابقه آن به تأسیس مدارس در دوره قاجار و پس از آن تا تأسیس دانشگاه تهران و پایان دوره رضاشاه می‌رسد را شامل می‌شود.

دوره دوم که موضوع اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد به مبارزات دانشجویی در دهه بیست اختصاص دارد. در این دوره فعالیت‌های «سازمان دانشجویان دانشگاه تهران» جنبش دانشجویی را به اوج خود رساند. این سازمان پس از یک رشته حرکات پراکنده دانشجویی در سال ۱۳۲۷ شکل گرفت و ۲۸ مرداد ۱۳۳۳ نقطه پایان آن بود. بررسی جنبش‌های دانشجویی پس از ۱۳۳۳ که در قالب اعتراضات موردی و جنبش چریکی تا انقلاب اسلامی بروز و نمود می‌یافتند نیز مقطع دیگری است که در مباحث پایانی این کتاب به آنها اشاره شده است.

در بخش اول که در واقع مقدمه و پس‌زمینه‌ای است برای موضوع اصلی کتاب و «نگاهی به پیشینه تاریخی مبارزات دانشجویی در ایران» عنوان گرفته، نخستین مراکز فرهنگی که در تربیت فرهیختگان و آزاداندیشان نقش بزرگی داشتند معرفی شده‌اند. این مراکز عبارت بودند از: «مدرسه سیاسی» که در سال ۱۳۱۷ ه. ق / ۱۲۷۸ ش. تأسیس شد؛ «مدرسه فلاح» که در سال ۱۳۱۸ ه. ق / ۱۲۷۹ ش. و در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار تأسیس شد؛ «دانشگاه تهران» که در سال ۱۳۱۳ تأسیس و به دست رضاشاه افتتاح گردید. در این بخش مؤلف تلاش کرده نقش و حضور دانش‌آموختگان مدارس جدید را در جنبش مشروطیت همچنین اعتراضات دانشجویی در دوران رضاشاه، به ویژه پیوند جنبش دانشجویی این دوران را با گروه ۵۳ نفر بازنماید. بخش دوم که مهمترین و مفصل‌ترین بخش کتاب را تشکیل می‌دهد با عنوان «سازمان دهی مبارزات دانشجویی» به بررسی حرکات‌های دانشجویی پس از سقوط رضاشاه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌پردازد. این بخش با اشاره به نخستین اعتراضات و اجتماعات پراکنده دانشجویان در اعتراض به وضع نامناسب رفاهی و درسی و کاری دانشجویان که به تشکیل اتحادیه دانشجویی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۳ انجامید، آغاز می‌شود و در ادامه، تاریخچه و عملکرد مؤسسين و رهبران سایر اتحادیه‌های دانشجویی به شرح زیر ارائه شده است: «اتحادیه دانشجویان دانشکده فنی»، «اتحادیه دانشجویی دانشکده علوم و ادبیات»، «اتحادیه دانشکده حقوق»، «اتحادیه دانشجویان دانشکده کشاورزی». پس از تشکیل این اتحادیه‌ها از سال ۱۳۳۳ به بعد و به دنبال تشدید مبارزات دانشجویی به تأثیر از اوضاع و احوال سیاسی آن زمان، مهمترین گامی که دانشجویان را به تأسیس «سازمان دانشجویان دانشگاه تهران» نزدیک کرد، اقدام به تشکیل «سازمان دانشجویان کوی دانشگاه تهران» در سال ۱۳۳۷ بود. «سازمان دانشجویان کوی دانشگاه تهران» اندکی پس از افتتاح کوی دانشگاه و اسکان دانشجویان

در آن (۱۳۳۴ ش) و فراهم شدن شرایط و زندگی مشترک برای دانشجویان، شکل گرفت و در واقع تا حدودی حاصل همین وجوه و زمینه‌های مشترک بود. اساسنامه این سازمان در تاریخ ۱۹ آذر ماه ۱۳۳۸ به تصویب رسید. سازمان از انجمن‌های مختلف که وظایف و کارکردهای متفاوت داشتند تشکیل شده بود که عبارت بودند از: «انجمن سخنرانی و تفریحات و موسیقی»، «انجمن کارهای عمومی»، «انجمن مالی و صندوق تعاون»، «انجمن ورزشی و بهداشت» و «انجمن روزنامه و کتابخانه و سالنامه»، اندکی بعد، «سازمان دانشجویان کوی دانشگاه» به همراه اتحادیه‌های دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران، اقدام به تشکیل سازمان واحدی نمودند که در سال ۱۳۳۹ با عنوان «سازمان دانشجویان دانشگاه تهران» موجودیت و رسمیت یافت. این سازمان از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۳۲ حضوری چشمگیر و فعالیت‌های تعیین‌کننده‌ای در رویدادهای آن مقطع که به ویژه جنبش ملی شدن صنعت نفت تکاپوهای سیاسی را به اوج خود رسانده بود، از خود نشان داد. مؤلف در ادامه بخش دوم تا پایان این بخش اهم فعالیت‌ها و مبارزات «سازمان دانشجویان دانشگاه تهران» را به گونه‌ی روز شمار بیان می‌کند نویسنده در بخش سوم، مبارزات دانشجویی را در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۲ پی‌گرفته، به سایر تشکلهای سیاسی دانشجویان اشاره کرده، و تلاش نموده تصویر مبارزات دانشجویی را کامل تر نماید. مطالب این بخش به شرح موارد زیر می‌پردازد: تظاهرات دانشجویان در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در اعتراض به سفر نیکسون، معاون «رئیس جمهوری آمریکا به ایران و شهادت سه تن از دانشجویان؛ تأسیس «تاریخچه»، رهبران و فعالیت‌های «انجمن اسلامی دانشجویان» از سال ۱۳۳۱ به بعد؛ تشکیل «سازمان دانشجویان جبهه ملی» در سالهای ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۲ و تلاشهای این سازمان؛ تحصن شبانه دانشجویان در دانشگاه تهران - هفتم بهمن ۱۳۳۹؛ جنبش‌های چریکی دانشجویان؛ جنبش دانشجویان ایران در خارج از کشور.

در واپسین بخش کتاب، نویسنده به «نتیجه‌گیری» از مطالب و مباحث مطرح نموده و همچنین ارائه راهکار و پیشنهاد می‌پردازد.

پانویسها:

- ۱- عمده‌ترین آثار مجموعه «تاریخ معاصر ایران» به ترتیب سال نشر عبارت‌اند از:
 - عملیات لرستان: اسناد سرتیپ محمد شاه‌بختی، تهران، شیرازه، ۱۳۷۵.
 - از کردستان عراق تا آن سوی رود ارس: راه‌پیمایی تاریخی ملامصطفی بارزانی، بهار ۱۳۲۶، تهران، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۶، چاپ دوم ۱۳۷۷.
 - از مشروطه تا جنگ جهانی اول: خاطرات فردریک اوکانر، کنول انگلیس در فارس، فردریک اوکانر، حسن زنگنه، تهران، شیرازه، چاپ اول، ۱۳۷۶.
 - جدال زندگی: از سازمان افسری حزب توده تا بازداشتگاه‌های سیری، فردین پیشواپور، تهران، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۶.
 - رئیس علی دلواری، تجاوز نظامی بریتانیا و مقاومت جنوب،

- قاسم یاحینی، تهران، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۶.
- فرمان مقاومت: خاطرات ابراهیم شوستری از شورش یادگان قلعه مرغی، ۸ شهریور ۱۳۲۰، تهران، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۶.
 - کودتای لاهوتی، تبریز، بهمن ۱۳۰۰، کاوه بیات، تهران، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۶.
 - مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، یرواند آبراهامیان، سهیلا ترابی فارسانی، تهران، شیرازه، چاپ اول، ۱۳۷۶.
 - آخرین سنگر آزادی: مجموعه مقالات میرجعفر پشه‌وری در روزنامه حقیقت، ارگان اتحادیه عمومی کارگران، تهران، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۷.
 - آلمانی‌ها در ایران: نگاهی به تحولات ایران در جنگ جهانی اول بر اساس منابع دیپلماتیک فرانسه، ایورباست، حسین بنی احمد، تهران، شیرازه، چاپ اول، ۱۳۷۷.
 - ابراهامی، علیرضا طبیب، تهران، شیرازه، چاپ اول، ۱۳۷۷.
 - سازمان افسران حزب توده ایران ۱۳۲۳-۱۳۳۳، محمدحسین خرویناه، تهران، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۷، چاپ دوم ۱۳۷۸.
 - شیخ حسین خان چاه کوتاهی: در جنگ مجاهدین دشتستان و تنگستان با دولت انگلیس، احمد فرامرزی، تهران، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۷.
 - قفقاز در تاریخ معاصر ایران، تهران، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۷.
 - وقایع آزارات: خاطرات احسان نوری‌پاشا، فرمانده کردهای شورشی ترکیه، ۱۳۰۹-۱۳۰۷ ش، تهران، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۸.
 - خاطرات مهاجرت از دولت موقت کرمانشاه تا کمیته ملیون برن، عبدالحمین شیبانی، تهران، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۸.
 - سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، نگاهی دیگر به پیشینه مبارزات دانشجویی در ایران ۱۳۲۲-۱۳۲۰ ش، ابوالحسن ضیاء ظریفی، تهران، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۸.
 - تا چه شود، بازتاب واقعه مشروطه در مجموعه‌ای از مکاتبات تجاری حاج محمدحسین کتابفروش ۱۳۳۰-۱۳۲۵ ه. ق، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۸.
 - راه سوم: بازسازی سوسیال دموکراسی، آنتونی گیدنز، منوچهر صیبری کاشانی، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۸.
 - ایل قشقای در جنگ جهانی اول: ناصر ایرجی، تهران، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۸.
 - امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران، پیروز مجتهدزاده، ترجمه: حمیدرضا ملک محمدنوری، شیرازه، تهران، چاپ اول ۱۳۷۸.
 - ۲- متین، افشین: کنفدراسیون، تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور ۵۷-۱۳۳۲، ترجمه ارسطو آذری، تهران، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۱.
 - ۳- همان، ص ۱۰.
 - ۴- همان، صص ۲ و ۳.
 - ۵- همان، ص ۵.
 - ۶- همان، صص ۶-۷.
 - ۷- همان، صص ۷-۸.
 - ۸- برای اطلاعات بیشتر در مورد سازمان دانشجویان دانشگاه تهران بنگرید به: ابوالحسن ضیاء ظریفی: سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، نگاهی دیگر به پیشینه مبارزات دانشجویی در ایران ۱۳۳۲-۱۳۲۰ ش، تهران، شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۸.
 - ۹- همان، صص ۲-۲۱.